

کلمه ای که دلالت بر معنای غیرمستقل می کند و ربط میان کلمات و اجزاء جمله برقرار می سازد.

حرف

تقسیمات حروف

۱- حروف عامل و غیرعامل

مِن، مِمَّ

۲- حروف مختص به اسم، مختص به فعل، مشترک میان اسم و فعل

فِی، لَم، آم

۳- حروف احادیّه (یک حرفی) ثنائیه (دو حرفی) ثلاثیه

(سه حرفی) رباعیه (چهار حرفی) خماسیه (پنج حرفی)

آ، مِین، اِذْن، لَعَلَّ، لَکِرَنَّ

حروفی که در اسم یا فعل یا جمله ی مابعد خود، اعرابِ رفع یا نصب یا جر یا جزم ایجاد می کنند.



حروف جرّ

۱- حرف باء

استعانت (کمک گرفتن)

كَتَبْتُ بِالْقَلَمِ

تعدیه (متعدی کردن)

ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ

۲- حرف مِن

ابتداء غایت است؛

گاهی آغاز یک فاصله ی مکانی است:

سافَرْتُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ

گاهی آغاز یک فاصله ی زمانی است:

سیرْتُ مِنَ الصُّبْحِ إِلَى الْمَسَاءِ

۳- حرف اِلی

انتهاء غایت است؛

گاهی در مورد مکان به کار می رود:

سافَرْتُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ

گاهی در مورد زمان استعمال می شود:

ثُمَّ آتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ

۴- حرف عَن

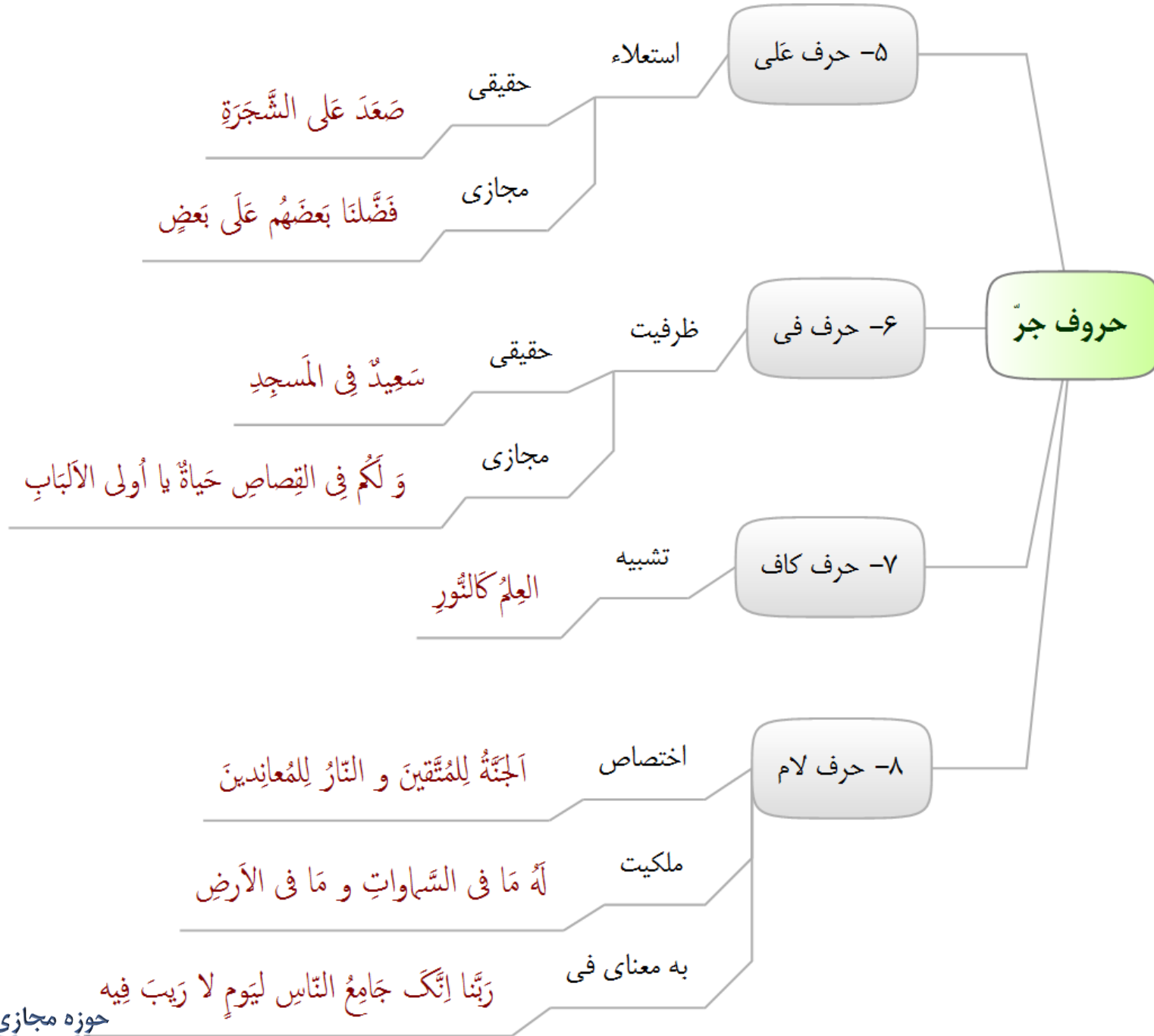
مجاوزه (عبور دادن)

حقیقی

رَمَيْتُ السَّهْمَ عَنِ الْقَوْسِ

مجازی

بَلَّغَنِي عَنِ سَعِيدٍ حَدِيثًا



حروف جرّ

۹- حرف حتّى

انتهاء غایت است؛

گاهی در مورد زمان استعمال می شود:

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ

گاهی در مورد مکان به کار می رود:

أَكَلْتُ السَّمَكَةَ حَتَّى رَأْسِهَا

۱۰ و ۱۱- دو حرف مُدّ و مُنْذُ

ابتداء غایت است؛

به معنای مِین، در صورتی که زمان انجام فعل، ماضی باشد.

مَا رَأَيْتُهُ مُدّ يَوْمِ الْجُمُعَةِ

۱۲ و ۱۳ و ۱۴- سه حرف حَاشَا، عَدَا، خَلَا

استثناء

به معنای إِلَّا

جَاءَ الْقَوْمُ حَاشَا (يَا عَدَا، خَلَا) سَعِيدٍ

۱۵ و ۱۶- دو حرف واو و تاء

قسم و سوگند

واو مختص به اسم ظاهر

وَاللّٰهِ - وَالشَّمْسِ

تاء مخصوص لفظ جلاله الله

تَاللّٰهِ

حروفی که اسم پس از خود را نصب می دهند.

حروف ناصب اسم

واو به معنای مع (واو معیت)

إِلاّ ی استثناء

حروف ندا

حروف ناصب فعل مضارع

أَنْ

لَنْ

كَيْ

إِذَنْ

حروف جازم فعل مضارع

لَمْ

لَمَّا

لام امر

لاء نهی

این شرط

این حروف بر مبتدا و خبر داخل می شوند و مبتدا را به عنوان اسم خود، نصب، و خبر را به عنوان خبر خود، رفع می دهند.

حروف مشبیهه بالفعل

إِنَّ، أَنْ

كَأَنَّ

لَيْتَ

لَكِنَّ

لَعَلَّ

دارای معنای نفی هستند و بر مبتدا و خبر داخل می شوند و آن ها را به عنوان اسم و خبر خود، رفع و نصب می دهند.

حروف شبیه به لیس

ما

لا

إن

بر مبتدا و خبر داخل می شود و آن ها را به عنوان اسم و خبر خود، رفع و نصب می دهد.

لای نفی جنس